

تحلیل مولفه‌های اقتدار ملی در اندیشه امام خامنه‌ای با تأکید بر مبانی قرآنی

ابراهیم نصراله پور علمداری^۱

چکیده

هدف این مقاله، تحلیل مؤلفه‌های اقتدار ملی در اندیشه امام خامنه‌ای با تأکید ویژه بر مبانی قرآنی است. پرسش اصلی پژوهش آن است که اقتدار ملی در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب اسلامی چه مؤلفه‌هایی دارد و این مؤلفه‌ها چگونه در آموزه‌های قرآن کریم ریشه دارند. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که در اندیشه امام خامنه‌ای، اقتدار ملی واجد ابعاد شش‌گانه معنوی، اقتصادی، سیاسی، علمی، نظامی-امنیتی و فرهنگی است. این ابعاد بر اساس آیات قرآن، بر بنیان‌های درون‌زا، مردمی، عقلانی، عدالت و متکی بر توکل الهی استوارند و بر خلاف الگوهای قدرت مبتنی بر سلطه و هژمونی، به استقلال، مقاومت فعال، پیشرفت علمی و امنیت پایدار منجر می‌شوند. در نتیجه، مدل قرآنی اقتدار ملی در این اندیشه، الگویی جامع برای تقویت عزت، امنیت و پیشرفت امت اسلامی ارائه می‌دهد. این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که پیوند مفهومی آموزه‌های دینی و نظریه‌پردازی سیاسی در این حوزه، ظرفیت بالایی برای ارتقاء قدرت نرم و بازدارندگی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران دارد.

واژگان کلیدی: اقتدار ملی، امام خامنه‌ای، قرآن، قدرت نرم، قدرت سخت، مقاومت، پیشرفت اسلامی.

^۱. استادیار گروه قرآن و حدیث پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام؛ enasrollah@gmail.com

مقدمه

اقتدار ملی در جهان معاصر از مهم‌ترین ارکان تضمین بقاء، امنیت و پیشرفت ملت‌ها شناخته می‌شود. در ادبیات علوم سیاسی، اقتدار ملی به معنای مجموعه ظرفیت‌های مادی، معنوی، انسانی و فناورانه یک ملت است که موجب حفظ منافع، افزایش امنیت و ارتقاء جایگاه آن در نظام بین‌الملل می‌شود (پارسونز، ۱۳۸۹، ص ۷۴). اما آنچه در رهیافت‌های اسلامی به اقتدار اهمیت می‌یابد، نگاه درون‌زا، متکی به ارزش‌های الهی، مردمی و عدالت‌محور است که اساساً با مفاهیم سلطه، هژمونی و استعمار تفاوت دارد (گل‌توگ، ۱۹۸۵، ص ۱۴).

در منظومه فکری امام خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، مسئله اقتدار ملی جایگاهی بنیادین دارد و ایشان اقتدار را رمز عزت، امنیت، پیشرفت و مصونیت ملت‌ها در برابر تهاجمات سخت و نرم می‌دانند (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی، ۱۳۹۳/۱۱/۱۹). معظم‌له تأکید می‌فرمایند که اقتدار جمهوری اسلامی ایران از جنس سلطه‌طلبی یا وابستگی نیست، بلکه مبتنی بر مبانی قرآنی و اتکای به توانایی‌های درونی ملت است. در نگاه ایشان، اقتدار ملی مؤلفه‌ای چندبعدی دارد که شاکله آن را شش محور معنوی، سیاسی، اقتصادی، علمی، فرهنگی و نظامی-امنیتی تشکیل می‌دهد و این مؤلفه‌ها ریشه در آموزه‌های وحیانی قرآن دارند (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۴/۱۲/۲۰).

قرآن کریم در آیات متعددی به مسئله قدرت و اقتدار توجه دارد. اقتدار الهی در ساحت تکوین و تشریع، اقتدار مؤمنان در برابر دشمنان، اقتدار امت از مسیر وحدت، دانش و مقاومت، همگی در آموزه‌های قرآن کریم برجسته‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۱۱۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۱۰۸). اما علی‌رغم این اهمیت نظری، در ادبیات معاصر، به‌ویژه در ایران، کمتر پژوهشی به‌طور منسجم و نظام‌مند، پیوند مؤلفه‌های اقتدار ملی در اندیشه امام خامنه‌ای با مبانی قرآنی را بررسی کرده است. اغلب مطالعات موجود یا اقتدار ملی را از منظر امنیتی-نظامی تحلیل کرده‌اند یا آن را صرفاً در قالب نظریه‌های قدرت سخت و نرم غربی بررسی نموده‌اند (تاجیک، ۱۳۹۵، ص ۸۸؛ نقیب‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۲۴).

این پژوهش در صدد است با روش توصیفی-تحلیلی، مبتنی بر گردآوری منابع تفسیری معتبر، بیانات رسمی امام خامنه‌ای، و تحلیل آیات مرتبط قرآن کریم، به تحلیل ابعاد اقتدار ملی در اندیشه رهبری و پیوند آن با آموزه‌های قرآنی بپردازد.

سوال اصلی: مؤلفه‌های اقتدار ملی در اندیشه امام خامنه‌ای چیست و این مؤلفه‌ها چگونه در آموزه‌های قرآنی ریشه دارند؟

این پژوهش تلاش دارد نشان دهد که منظومه اقتدار ملی برآمده از اندیشه امام خامنه‌ای، نه تنها از آموزه‌های قرآنی تغذیه می‌شود، بلکه الگویی راهبردی و تمدن‌ساز برای جهان اسلام در برابر نظم ناعادلانه جهانی ارائه می‌کند.

• پیشینه تحقیق

مطالعه پیرامون اقتدار ملی در اندیشه مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است، به‌ویژه در پی تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی که لزوم بازتعریف اقتدار را در چارچوب گفتمان اسلامی تقویت کرده است.

- قنبری و همکاران (۱۳۹۵) با تمرکز بر مولفه‌های دفاعی-امنیتی اقتدار در اندیشه رهبر انقلاب، تلاش کرده‌اند ضمن تبیین قدرت سخت و نرم، نقش رهبری در مدیریت کلان نظام دفاعی را بررسی کنند. آن‌ها نشان می‌دهند که امنیت ملی در اندیشه رهبری بر ایمان، معرفت و مقاومت درونی استوار است، اما به سایر مؤلفه‌های قدرت کمتر پرداخته‌اند.

- صالحی و مشتاقی (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای تطبیقی، مفهوم قدرت را در اندیشه سیاسی غرب و اسلام با تأکید بر رهبران انقلاب بررسی کرده‌اند. دستاورد مهم پژوهش آن‌ها، برجسته‌سازی تفاوت‌های ماهوی قدرت در منظومه فکری اسلامی نسبت به نگاه‌های غرب‌محور است. این مطالعه، زمینه نظری مناسبی برای بررسی‌های بعدی فراهم می‌سازد، اما فاقد تفصیل در مؤلفه‌های اقتدار ملی است.

- رشیدی و ردادی (۱۳۹۷) تلاش کرده‌اند ابعاد و مولفه‌های قدرت علمی را از منظر رهبری با استفاده از نظریه‌پردازی داده‌بنیاد استخراج کنند. الگوی مفهومی آن‌ها در حیطه قدرت علمی منسجم است، اما به ابعاد مکمل همچون قدرت فرهنگی، معنوی یا اقتصادی توجه نکرده‌اند.

- نیکنام و همکاران (۱۴۰۱) به‌صورت نسبتاً جامع، شاخص‌های اقتدار ملی در اندیشه رهبر انقلاب را بررسی کرده‌اند و بر مؤلفه‌هایی نظیر اقتصاد مقاومتی، اقتدار فرهنگی، سیاسی و علمی تمرکز داشته‌اند. گرچه تنوع شاخص‌ها در این مقاله قابل توجه است، اما روش تحقیق آن بیش‌تر توصیفی است و تحلیل ساختار مفهومی اقتدار به‌صورت نظام‌مند و پیوسته در آن مشاهده نمی‌شود.

- ابراهیمی کیایی و همکاران (۱۳۹۹) با تمرکز بر مفهوم اقتدار ملی در گفتمان انقلاب اسلامی، تلاش کرده‌اند اقتدار را در چارچوب معنویت و مشروعیت دینی تعریف کنند. نوآوری این مقاله، تبیین اقتدار به مثابه مفهومی متکی بر ارزش‌های الهی است، اما رویکرد آن بیشتر کلان‌نگر است و تحلیل مصداقی مؤلفه‌ها در آن دیده نمی‌شود.

جمع‌بندی: با وجود مطالعات متعدد در حوزه اقتدار ملی، اکثر پژوهش‌ها یا بر یک بعد خاص از اقتدار تمرکز دارند (نظیر قدرت علمی یا دفاعی)، یا فاقد پیوند تحلیلی مؤثر با مبانی قرآنی‌اند. پژوهش حاضر تلاش دارد با رویکرد توصیفی-تحلیلی، منظومه اقتدار ملی در اندیشه امام خامنه‌ای را با تکیه بر بنیان‌های قرآنی به صورت مدون، مدل‌مند و مبتنی بر مؤلفه‌های شش‌گانه معنوی، فرهنگی، سیاسی، علمی، اقتصادی و نظامی تبیین کند؛ امری که در مطالعات پیشین یا مغفول مانده یا به صورت پراکنده بدان پرداخته شده است. این نکته را هم باید متذکر شد که این مؤلفه‌های شش‌گانه از کلام معظم له احصا شده است و به طریقی همه ی موارد مرتبط با اقتدار را پوشش می‌دهد؛ و در عین ارتباطاتی که بین آنها هست، بر یکدیگر تاثیر گذار خواهند بود که در قسمت های بعد بدان اشاره می‌شود.

۱. چارچوب نظری

• اقتدار ملی در ادبیات علوم سیاسی و اسلامی

اقتدار ملی در ادبیات علوم سیاسی، اغلب به عنوان تجمیع مؤلفه‌های قدرت مادی، انسانی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی یک کشور در جهت حفظ منافع ملی و مقابله با تهدیدات خارجی تعریف می‌شود. نظریه‌پردازانی همچون جوزف نای (۱۹۹۰) با طرح نظریه قدرت نرم، بر ابعاد غیرمادی قدرت همچون فرهنگ، دیپلماسی و ایدئولوژی تأکید کردند. جوزف نای بر این باور است که اقتدار ملی یک کشور، زمانی پایدار و مؤثر خواهد بود که هم ابزارهای سخت‌افزاری و هم مؤلفه‌های نرم‌افزاری قدرت به شکل متوازن مورد توجه قرار گیرد (Nye, ۱۹۹۰, p. ۲۱).

در اندیشه اسلامی، قدرت در نسبت مستقیم با حقانیت، عدالت و مصالح امت تعریف می‌شود. در آموزه‌های قرآنی نیز قدرت، نه ابزار سلطه و استثمار، بلکه وسیله تحقق اهداف الهی، کرامت انسانی و دفاع از مظلومان تلقی شده است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال/۶۰). مفسران معاصر نیز قدرت در قرآن را ناظر به ابعاد چندگانه علمی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و معنوی می‌دانند (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۱۱۳-۱۱۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۱۱۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۲۲۲). در منظومه قرآنی، اقتدار صرفاً به

نیروهای نظامی محدود نیست، بلکه شامل توانمندی‌های علمی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روحی امت اسلامی نیز می‌شود. به عنوان مثال در ذیل آیه فوق، روایاتی وارد شده است که مراد از «قوه» را هر نوع اسلحه ای می‌داند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۱، ص ۲۴۶؛ حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۶۴-۱۶۵) که در عصر حاضر به وضوح می‌بینیم که قدرت‌های عالم از سیاست، اقتصاد، فرهنگ و ... به عنوان اسلحه برای سلطه بر کشور های دیگر استفاده می‌کنند. پس طبق این روایات، جامعه اسلامی نیز از این ابزارها باید در جهت مقابله با دشمنان اسلام بهره‌برد.

• مفهوم قدرت و اقتدار در قرآن

مفهوم قدرت و اقتدار در قرآن، مفهومی جامع، توحیدمحور، ارزشی و وابسته به معیارهای الهی است که با مفاهیم مادی صرف در نظریه‌های غربی تفاوت بنیادین دارد. در قرآن کریم، قدرت اصیل و مطلق از آن خداوند است: «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ...» (آل عمران/۲۶). خداوند، منشأ همه اقتدارهاست «... أَنْ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا...» (بقره: ۱۶۵) و انسان و جامعه تنها با اتصال به قدرت الهی به عزت و پایداری می‌رسند. قدرت در قرآن دارای دو ساحت مهم است:

۱. قدرت نرم معنوی و اخلاقی: همچون ایمان، صبر، استقامت، توکل، عدالت‌طلبی و جهاد با نفس؛
 ۲. قدرت عینی و اجتماعی: مانند توان دفاعی، انسجام جمعی، ثروت، دانش، رهبری الهی و تشکیل حکومت.
- در قرآن، مؤلفه‌هایی چون ایمان و عمل صالح پایه‌های اقتدار حقیقی معرفی می‌شوند: «إِنَّ اللَّهَ يُدْفِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا...» (حج/۳۸)، «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ...» (حج/۴۰). همچنین از منظر قرآن، اقتدار مطلوب نه سلطه‌گری، بلکه ابزار اقامه قسط و برپایی عدالت اجتماعی است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا... لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (حدید/۲۵). بنابراین، اقتدار در صورتی ارزشمند است که متصل به حق، عدالت و عبودیت باشد.
- در مقابل، اقتدار هنگامی که بر پایه‌های طغیان، ظلم، استکبار و خودبنیادی بنا شود، از منظر قرآن، اقتدار منفی و مذموم شمرده می‌شود. این نوع قدرت، نه‌تنها مشروع نیست، بلکه عامل فساد، فروپاشی و هلاکت جوامع است. فرعون، یکی از نمونه‌های بارز اقتدار طغیان‌گر در قرآن است که قدرت خود را ابزار سرکوب و استثمار مردم قرار داد: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا...» (قصص/۴). اقتدار منفی، خود را بی‌نیاز از هدایت الهی می‌پندارد و بر تکبر و خودمحوری استوار است: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِكَبْفٍ لِّغِي * أَنْ رَأَهُ اسْتَعْنَى» (علق/۶-۷). قرآن چنین اقتداری را ناپایدار، فریبنده و رو به زوال می‌داند: «فَأَمَّا الزُّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً...» (رعد/۱۷). در نهایت، اقتدار

منفی در برابر سنت‌های الهی دوام نمی‌آورد و به نابودی می‌انجامد: «وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً...» (انبیاء/۱۱).

• مفهوم قدرت و اقتدار در منظومه فکری امام خامنه‌ای

در منظومه فکری امام خامنه‌ای، قدرت و اقتدار، مفاهیمی بنیادین و به هم پیوسته‌اند که فراتر از توان سخت‌افزاری و نظامی تعریف می‌شوند و ابعاد نرم‌افزاری، معنوی، فرهنگی، اجتماعی و درونی را نیز در بر می‌گیرند. ایشان اقتدار را جلوه‌ای از قدرت می‌دانند که به‌طور طبیعی و خودجوش در مخاطبان و ملت اثر می‌گذارد و به هویت‌بخشی، استحکام اجتماعی و مصونیت ملی منجر می‌شود. (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۴۰۱/۰۲/۰۶؛ بیانات در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی، ۱۳۸۷/۰۶/۰۵) بر این اساس، اقتدار نه صرفاً یک ابزار حکومتی، بلکه یک فرآیند تمدنی برای تحقق آرمان‌های اسلامی است.

رهبر انقلاب بر تمایز و در عین حال تعامل قدرت سخت و قدرت نرم تأکید دارند. قدرت سخت شامل توان نظامی و بازدارندگی دفاعی است، در حالی که قدرت نرم ریشه در ایمان، فرهنگ، رسانه، هنر، و حضور اجتماعی دارد. ایشان تصریح می‌کنند که جمهوری اسلامی بیش از آنکه متکی بر قدرت سخت باشد، بر قدرت نرم و نفوذ معنوی تکیه کرده است (بیانات در دیدار مداحان اهل بیت (ع)، ۱۴۰۲/۱۰/۱۳). نمونه بارز این نگاه، مقاومت ملت فلسطین است که با وجود کمبود ابزار سخت‌افزاری، با صبر و ایستادگی خود افکار عمومی جهان را متوجه مظلومیت خویش کرده‌اند (همان). از منظر ایشان، اقتدار ملی امری ترکیبی است و همه مؤلفه‌ها اعم از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، علمی و نظامی باید در کنار یکدیگر قرار گیرند. به تعبیر ایشان: «اقتدار ملی یک امر ترکیبی است؛ مؤلفه‌های مختلف دارد... اگر یکی از این مؤلفه‌ها را حذف کنیم یا ضعیف کنیم، به اقتدار ملی ضربه زده‌ایم» (بیانات در جمع اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۵/۰۶/۰۴).

افزون بر این، امام خامنه‌ای اقتدار حقیقی را درون‌زا و مردم‌پایه می‌دانند و بر تکیه بر استعدادها و ظرفیت‌های داخلی تأکید می‌کنند: «راه، تکیه بر استعداد درونی و نیروی مردم است... آنچه کشور را نجات می‌دهد، تکیه به نیروی داخلی و نگاه به درون است» (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۳/۱۰/۱۷). این نگاه قرآنی با آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...» (انفال: ۶۰) همخوان است که بر آمادگی همه‌جانبه برای بازدارندگی در برابر دشمن تأکید می‌کند.

از نظر ایشان، اقتدار ملی زمانی حقیقی است که متکی به منابع داخلی باشد و بر پایه ایمان، اعتماد به نفس ملی، عدالت‌خواهی، مشارکت مردم، استقلال علمی و اقتصادی، مقاومت در برابر سلطه و ایستادگی در برابر دشمنان شکل گیرد. به همین جهت، «ایمان ملت‌ها و اعتماد به نفس آن‌ها، ضامن بقای قدرت و امنیت آن‌هاست» (بیانات در جمع فرماندهان سپاه، ۱۳۹۹/۰۶/۲۶). بنابراین، اقتدار ملی در اندیشه امام خامنه‌ای، معادل بالندگی همه‌جانبه ملت در چارچوب ارزش‌های الهی و انقلابی است.

۲. تحلیل نظری مؤلفه‌های اقتدار ملی در اندیشه امام خامنه‌ای با تکیه بر قرآن

• اقتدار معنوی در اندیشه امام خامنه‌ای با تأکید بر مبانی قرآنی

اقتدار معنوی در اندیشه امام خامنه‌ای، یکی از بنیادی‌ترین ارکان اقتدار ملی به شمار می‌آید که ریشه در ایمان، معرفت دینی و پیوند عمیق میان دین، سیاست و اخلاق دارد. ایشان در تبیین این مقوله، ایمان اسلامی و معرفت دینی را دو ستون اصلی اقتدار معنوی می‌دانند و آن را شرط بقا، پویایی و شکوفایی تمدن اسلامی برمی‌شمارند. در نگاه رهبری، اقتدار صرفاً امری مادی نیست، بلکه «ایمان، اعتماد به خدا، توکل، و اخلاص»، آن را معنا می‌بخشد و ماندگار می‌سازد (بیانات در دانشکده علوم دریایی نوشهر، ۱۳۸۸/۰۷/۱۴). و در جایی دیگر عوامل قدرت معنوی را، ایمان، اعتقاد، اخلاص، مجاهدت برای ادای تکلیف، مجاهدت برای خدا، مجاهدت منهای درآمد مادی آن مجاهدت و تلاش، بر می‌شمرند. (بیانات در دیدار فرماندهان و گروه کثیری از پاسداران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸/۰۸/۲۲)

نخستین رکن اقتدار معنوی، ایمان اسلامی است؛ ایمانی که نه تنها باور قلبی، بلکه روحیه‌ای فعال در میدان‌های جهاد، تلاش علمی، ایثار و مقاومت را شکل می‌دهد. ایمان، به تعبیر قرآنی، موجب پایداری گام‌ها و نصرت الهی است: ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ (محمد/۷). امام خامنه‌ای با استناد به این آموزه قرآنی، ایمان را نه تنها عامل ثبات شخصی بلکه رمز پایداری اجتماعی در برابر تهاجمات می‌دانند: «اصلی‌ترین عنصر اقتدار معنوی، ایمان است؛ ایمان به خدا، توکل به خدا، حسن‌ظن به خدا. این است که دل را آماده می‌کند برای ورود در میدان‌های دشوار» (بیانات در دانشکده علوم دریایی نوشهر، ۱۳۸۸/۰۷/۱۴).

افزون بر آن، در سیر حرکت‌های تاریخی ملت ایران نیز، ایمان دینی نقش محوری داشته است؛ از نهضت تنباکو تا انقلاب اسلامی. رهبری در تبیین این پیوستار تاریخی، ایمان مردم را عنصر پیشران در تحولات سیاسی- اجتماعی معرفی می‌کند (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم قم، ۱۳۹۵/۱۰/۱۹). همچنین، حضور جوانان

مؤمن در عرصه‌های علمی، دفاعی و فرهنگی، به‌ویژه در فناوری‌های نوین چون هسته‌ای و نانو، جلوه‌ای از اقتدار معنوی در قالب عمل‌گرایی دینی است (همان).

روحیه انقلابی‌گری و ایثارگری، به‌ویژه در دوران دفاع مقدس و در استمرار آن توسط نسل جوان، نمود دیگر ایمان اجتماعی‌شده است. به تعبیر رهبری، این روحیه انقلابی است که کشور را حفظ می‌کند و دشمن را مأیوس می‌سازد (بیانات در دیدار مردم استان فارس، ۱۳۹۴/۰۶/۱۸). از همین‌رو، حضور جوانان انقلابی و نیروهای مؤمن در صحنه، «اقتدار معنوی جمهوری اسلامی» را به منصفه ظهور رسانده است (بیانات در دیدار فرماندهان نیروی دریایی سپاه، ۱۳۹۴/۰۷/۱۵). این سخنان هم‌راستا با آیه شریفه: ﴿كَمْ مِّنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةُ كَثِيرَةٍ بِإِذْنِ اللَّهِ﴾ (بقره/۲۴۹) است که پیروزی‌های عظیم را در گرو ایمان و اعتماد به قدرت الهی می‌داند.

دومین رکن اقتدار معنوی در اندیشه امام خامنه‌ای، معرفت دینی است؛ معرفتی که تنها محدود به احکام فردی نیست، بلکه ناظر به اداره جامعه، تحلیل سیاسی، و جهت‌گیری تمدنی اسلام است. رهبر انقلاب بارها تأکید کرده‌اند که «دیانت ما عین سیاست ماست» و این یگانگی، عنصری حیاتی در اقتدار کشور است (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم قم، ۱۳۹۵/۱۰/۱۹). این درک سیستمی از دین، برخلاف نگاه فردگرایانه سکولار، به دین به مثابه قدرت سازمان‌دهنده جامعه و دولت می‌نگرد. در واقع، آن‌گونه که قرآن کریم در آیه ﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ﴾ (هود/۱۱۲) توصیه می‌کند، استقامت در راه حق نیازمند معرفتی است که دین را در بُعد تمدنی و حکمرانی نیز بشناسد.

از دیگر جلوه‌های اقتدار معنوی، شهادت‌طلبی، روحیه مقاومت، و الهام‌گیری از ایمان در عرصه نظامی و امنیتی است. به تعبیر امام خامنه‌ای، در فتح‌المبین، بیت‌المقدس و عملیات‌های ابتکاری مانند عبور از اروند، اقتدار معنوی رزمندگان عاملی تعیین‌کننده در پیروزی‌ها بوده است (بیانات در تجلیل از پیشکسوتان دفاع مقدس، ۱۳۹۹/۰۶/۳۱). این معنای اقتدار معنوی، مستقیماً ناظر به مفهوم «نصرت الهی» در آیه ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ...﴾ است که ایمان را پشتوانه راهبردی در میدان نبرد معرفی می‌کند.

در نهایت، این نگاه معنوی به قدرت، شاخص اصلی تمایز اندیشه اسلامی از مدل‌های مادی غربی است. در حالی که قدرت در نگاه مادی، بر سلاح، ثروت و تبلیغات استوار است، در اندیشه امام خامنه‌ای، اقتدار ملی بر ایمان، معرفت دینی، و پیوند عمیق مردم با خدا مبتنی است. این اقتدار، نه متکی بر خشونت یا سلطه‌گری، بلکه

بر اراده الهی و احساس تکلیف الهی استوار است و از همین رو، پایداری و اثربخشی آن بیش از الگوهای مادی است (بیانات در مراسم فارغ التحصیلی ارتش، ۱۳۸۹/۰۸/۱۹).

به طور خلاصه، اقتدار معنوی در اندیشه امام خامنه‌ای، ساختاری درون‌زا، ایمان‌محور و عقلانی است که با آموزه‌های قرآنی چون ایمان، استقامت، توکل، نصرت الهی و پیروزی فئه قلیله بر فئه کثیره پیوندی ناگسستنی دارد و بنیان اقتدار پایدار نظام اسلامی را شکل می‌دهد.

• اقتدار اقتصادی در اندیشه امام خامنه‌ای با تأکید بر مبانی قرآنی

اقتدار اقتصادی از نگاه امام خامنه‌ای، توانمندی درون‌زا و مقاوم ملت برای اداره کشور، بی‌نیاز از بیگانگان، مبتنی بر تولید ملی، عدالت اقتصادی، و مقاوم‌سازی اقتصاد در برابر تکان‌ها و تهدیدهای خارجی است، که پشتوانه‌ای برای عزت، استقلال و پیشرفت واقعی کشور به‌شمار می‌رود.

از دیدگاه امام خامنه‌ای، قدرت اقتصادی باید متکی بر منابع داخلی، تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی و تقویت ساختارهای دانش‌بنیان باشد. ایشان تصریح می‌کنند: «قدرت اقتصادی هم با وابستگی به این و آن حاصل نمی‌شود... آن ستون مورد اعتماد در اقتصاد کشور بایستی مربوط به درون کشور و داخل کشور باشد، باید اقتصاد ما درون‌زا باشد؛ یعنی همان اقتصاد مقاومتی» (بیانات در دیدار نخبگان جوان علمی، ۱۳۹۶/۰۷/۲۶). این تأکید بر درون‌زایی اقتصادی، هم‌راستا با آموزه‌های آیه «وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ» (هود: ۱۱۳) است؛ چراکه هرگونه تکیه به نظام سلطه، زمینه‌ساز سلطه‌پذیری و تضعیف اقتدار ملی است.

آیات قرآنی متعددی بر ضرورت تقویت بنیه اقتصادی امت اسلامی تأکید دارند. از جمله در آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (الأنفال: ۶۰)، دستور عام به آماده‌سازی همه مؤلفه‌های قدرت — از جمله اقتصادی — برای مقابله با تهدید دشمن صادر شده است. امام خامنه‌ای با استناد به این آیه، اقتدار اقتصادی را بخشی از فرمان بعثت می‌دانند: «قوی شدن کشور جزو هدف‌های ماست... قوت اقتصادی، قوت علمی، قوت فرهنگی، قوت سیاسی؛ این‌ها ابعاد قوت‌اند» (بیانات در سخنرانی نوروزی، ۱۳۹۹/۰۱/۰۳).

افزون بر این، اقتصاد مقاومتی که رهبری آن را به عنوان نقشه راه اقتصادی نظام اسلامی معرفی کرده‌اند، مفهومی برخاسته از آموزه‌های قرآنی است. در آیه «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (النساء: ۱۴۱) به صراحت آمده که مؤمنان نباید به گونه‌ای عمل کنند که سلطه کفار بر آنان ممکن شود. تحقق اقتصاد مقاومتی، مصداقی عینی از بستن راه سلطه اقتصادی دشمنان است؛ به تعبیر امام خامنه‌ای، استقلال اقتصادی موجب عزت

و امنیت ملی شده، اعتماد به نفس ملی را بالا می برد و اقتصاد کشور را در مقابل تکانه‌هایی که از بیرون تحمیل میشود یا در داخل به وجود می‌آید حراست و حفظ می‌کند. (بیانات در دیدار تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی، ۱۴۰۰/۱۱/۱۰)

رهبر انقلاب با نقد ساختارهای وابسته در اقتصاد، بارها نسبت به خام‌فروشی هشدار داده‌اند: «تحصیل ثروت از راه فروش منابع تمام‌شدنی مثل نفت، پیشرفت نیست... باید به جایی برسیم که بتوانیم با اختیار، هرگاه اراده کردیم، سر چاه‌های نفت را ببندیم» (بیانات در دیدار شرکت‌های دانش‌بنیان، ۱۳۹۱/۰۵/۰۸). این نگاه دقیقاً منطبق با توصیه قرآنی به بهره‌برداری بهینه از منابع و جلوگیری از اسراف است: «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ» (الإسراء: ۲۷).

از سوی دیگر، عدالت اقتصادی به عنوان یکی از ارکان اقتدار اقتصادی در قرآن تأکید شده است: «كَيْ لَا يَكُونَ دُولُهُ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (الحشر: ۷). امام خامنه‌ای نیز بارها تصریح کرده‌اند که قدرت اقتصادی بدون عدالت اجتماعی و کاهش فاصله طبقاتی، اقتداری حقیقی نخواهد بود. ایشان می‌فرمایند: «اگر مسئولی در بخش اقتصاد تلاش کند و کارآمدی خود را نشان دهد... طبقات محروم را از حقوقی که متعلق به آن‌هاست، برخوردار نماید، مردم احساس اقتدار می‌کنند» (بیانات در دیدار زائران حرم رضوی، ۱۳۸۰/۰۱/۰۱).

اقتدار اقتصادی همچنین زمینه‌ساز امنیت ملی است. رهبر انقلاب می‌فرمایند: «اقتصاد قوی و مستقل کشور ما هم مایه‌ی اقتدار ماست، لذا با آن مخالفند... چون اقتصاد مایه‌ی اقتدار است و یک کشوری که اقتصاد محکمی دارد، این کشور یک وسیله‌ی اقتدار دارد» (بیانات در دانشگاه افسری امام حسین، ۱۳۹۶/۰۲/۲۰). بر اساس آیه «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ» (الحج: ۴۱)، حاکمیت مؤمنانه زمانی تحقق می‌یابد که توان مالی برای اداره جامعه اسلامی در اختیار باشد؛ امری که بدون اقتصاد قوی ممکن نیست.

به عبارت دیگر، در اندیشه مقام رهبری، اقتدار اقتصادی نه تنها مؤلفه‌ای از اقتدار ملی، بلکه پیشران اقتدار فرهنگی، سیاسی و حتی نظامی است. ایشان تأکید دارند: «اگر ما بتوانیم بنیان‌گذاری کارهای اقتصادی بر پایه‌ی دانش را پیش ببریم و به وجه غالب اقتصاد کشور تبدیل کنیم، این نه تنها به کشور قدرت اقتصادی خواهد داد، بلکه قدرت سیاسی هم خواهد داد، قدرت فرهنگی هم خواهد داد» (بیانات در دیدار شرکت‌های دانش‌بنیان، ۱۳۹۱/۰۵/۰۸). چنین تحلیلی از اقتصاد، مؤید همان نگرش قرآنی است که در آن قدرت و عزت، نه از مسیر

وابستگی، بلکه از مسیر حکمت و توکل و تلاش حاصل می‌شود: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» (فاطر: ۱۰).

در جمع‌بندی، می‌توان گفت اقتدار اقتصادی در اندیشه امام خامنه‌ای، ریشه در مبانی قرآنی دارد که استقلال، عدالت، درون‌زایی، تولید ملی، کار و علم را ابزارهای تحصیل آن می‌دانند. این نوع اقتدار، نه تنها سپر دفاعی در برابر فشارهای دشمن است، بلکه زیرساخت رشد تمدنی و عزت امت اسلامی در تراز قرآنی است.

• اقتدار سیاسی در اندیشه امام خامنه‌ای با تأکید بر مبانی قرآنی

اقتدار سیاسی در اندیشه امام خامنه‌ای، رکن بنیادین اقتدار ملی به شمار می‌آید؛ اقتداری که نه بر مبنای سلطه‌گری و قدرت‌طلبی، بلکه بر پایه‌ی آموزه‌های الهی (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۳/۰۶/۰۴)، مشارکت و وحدت مردم (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۸/۰۴/۲۳)، کارآمدی نظام اسلامی، و صیانت از استقلال و عزت امت تعریف می‌شود (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۱/۰۶/۲۴). از نگاه ایشان، قدرت سیاسی شرط لازم برای تحقق ارزش‌های اسلامی و اجرای احکام الهی است. معظم‌له با استناد به آیه‌ی ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ﴾ (نساء، ۶۴)، قدرت سیاسی را لازمه تحقق هدف بعثت انبیا می‌دانند، چرا که بدون قدرت حاکمیتی، نه می‌توان با مستکبران مقابله کرد، و نه می‌توان عدالت و آزادی را در جامعه تحقق بخشید.

از این منظر، مشروعیت و اقتدار سیاسی در نظام اسلامی، برآمده از رضایت مردم و پیوند ایمانی با حاکمیت الهی است. به تصریح امام خامنه‌ای، انتخابات، نه فقط یک فرآیند سیاسی، بلکه «مظهر اقتدار نظام»، «نشانه آبروی جمهوری اسلامی» و «نماد مردم‌سالاری دینی» است. حضور مردم در پای صندوق رأی، به تعبیر ایشان، نه تنها اراده ملت را تجسم می‌بخشد، بلکه دشمنان را از دخالت و سلطه ناامید می‌کند (بیانات در حرم رضوی، ۱۳۹۲/۰۱/۰۱؛ بیانات در دیدار معلمان، ۱۳۹۶/۰۲/۱۷).

ایشان بر این باورند که مهم‌ترین عنصر در تقویت قدرت سیاسی کشور، «حضور هوشمندانه و مصمم مردم» در کنار «تصمیم قاطع نظام اسلامی» است؛ این دو عامل «زنجیره اقتدار ملی» را شکل می‌دهند و بدون آن، پیشرفت کشور ممکن نیست. در این چارچوب، آیه‌ی ﴿اعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾ (انفال، ۶۰) ناظر به آمادگی همه‌جانبه امت اسلامی برای دفاع از هویت سیاسی و فرهنگی خویش است، که قدرت سیاسی را شامل می‌شود. از نظر رهبر انقلاب، «قوه» در این آیه، تنها قدرت نظامی نیست، بلکه تمامی ابعاد استحکام درونی مانند علم،

فناوری، استقلال اقتصادی، و مشروعیت سیاسی را نیز دربرمی‌گیرد (بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۵/۱۱/۲۷).

افزون بر این، عملکرد مسئولان نظام نیز نقش کلیدی در اقتدار سیاسی دارد. امام خامنه‌ای تأکید دارند که صداقت، پاک‌دامنی، قانون‌مداری، تلاش مستمر، و طرد فساد از سوی مسئولان، موجب احساس عزت و قدرت در میان مردم می‌شود (بیانات در دیدار ارتش، ۱۳۸۰/۰۱/۲۸). بر این اساس، اقتدار ملت، بازتابی از رفتار و کارآمدی نخبگان سیاسی است.

در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، رهبر انقلاب «حضور مؤثر ایران در منطقه» را یکی از مهم‌ترین ابزارهای اقتدار سیاسی می‌داند و آن را مصداقی از «مقاومت فعال» می‌خواند. از نگاه ایشان، جمهوری اسلامی «دولت مقاومت» است؛ دولتی که نه سلطه‌جوست و نه در لاک انفعال فرو می‌رود، بلکه بر اساس آیهی ﴿تَرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ﴾ (انفال، ۶۰)، با اقتدار بازدارنده در برابر دشمنان ایستادگی می‌کند (بیانات در دانشگاه امام حسین علیه‌السلام، ۱۳۹۶/۰۲/۲۰). به تعبیر ایشان، «اقتدار بازدارنده» همان قدرتی است که دشمن را از هجوم باز می‌دارد و نظام را از موضع ضعف خارج می‌سازد.

ایشان تصریح می‌کنند که «در مناسبات بین‌المللی، سهم هر کشور به اندازه قدرت درونی اوست» (بیانات در دیدار هیئت دولت، ۱۳۹۲/۰۶/۰۶). این قدرت درونی، برخاسته از سه منبع اصلی است: ایمان، علم، و مشارکت مردمی. در واقع، قرآن کریم بارها تأکید می‌کند که عزت از آن خداوند، پیامبر، و مؤمنان است: ﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾ (منافقون، ۸). بنابراین، اقتدار سیاسی در نگرش اسلامی، ریشه در ایمان و حمایت الهی دارد، نه اتکا به ابرقدرت‌ها یا سلطه‌گران.

در نگاهی کلان‌تر، امام خامنه‌ای رسالت سیاسی جمهوری اسلامی را فراتر از مرزهای ملی تفسیر می‌کنند. ایشان با الهام از مفهوم قرآنی مسئولیت امت اسلامی، مأموریت ایران را در سطح جهانی دفاع از مظلومان، مقابله با ظلم، و نجات بشریت از نظام‌های فاسد جهانی می‌دانند. در این راستا، اقتدار سیاسی جمهوری اسلامی باید بستری برای ایفای نقش تمدنی و رسالت جهانی باشد؛ همان‌گونه که خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾ (آل عمران، ۱۱۰).

در نتیجه، اقتدار سیاسی از منظر امام خامنه‌ای، شبکه‌ای به‌هم‌پیوسته از ارکان دینی، مردمی، مدیریتی و بین‌المللی است که ریشه در آموزه‌های قرآن دارد. این اقتدار نه در هیاهوی قدرت‌طلبی، بلکه در حضور مستمر مردم،

صداقت مسئولان، استقامت در برابر دشمن، و توکل به نصرت الهی معنا می‌یابد. در این منظومه، جمهوری اسلامی نه تنها یک کشور، بلکه «دولت مقاومت» و الگویی برای نظام سیاسی مستقل و خدامحور در جهان معاصر است..

• اقتدار علمی در اندیشه امام خامنه‌ای با تأکید بر مبانی قرآنی

اقتدار علمی در اندیشه امام خامنه‌ای جایگاهی بنیادین دارد و به مثابه یکی از اصلی‌ترین پایه‌های اقتدار ملی معرفی می‌شود. ایشان، علم را نه تنها ابزار شناخت و توسعه، بلکه «سلطان» و عامل برتر اقتدار واقعی برای هر ملت می‌دانند. از نگاه ایشان، «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ؛ هرکس آن را داشته باشد، دست بالا دارد و هرکه فاقد آن باشد، مغلوب و زیر دست دیگران خواهد بود» (بیانات در دیدار نخبگان جوان علمی، ۱۳۹۶/۰۷/۲۶).

این نگرش، ریشه در آموزه‌های قرآنی دارد که علم را عامل رفعت جایگاه انسان معرفی می‌کند: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (مجادله/۱۱). همچنین، قرآن تفاوت بنیادین میان عالمان و غیر عالمان را چنین بیان می‌دارد: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر/۹).

از این منظر، علم در اندیشه امام خامنه‌ای صرفاً ارزش ذاتی ندارد، بلکه مایه اقتدار ملی، عزت بین‌المللی و استقلال حقیقی است: «علم، پایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه‌ی یک کشور است. علم، اقتدار است. هر کس این اقتدار را داشته باشد، می‌تواند به همه‌ی مقاصد خود دست پیدا کند» (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

ایشان مکرراً بر این اصل تأکید دارند که «رمز پیشرفت، محور اقتدار و عامل تسلط سیاسی و فرهنگی، دانش است» (بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی کشور، ۱۳۸۸/۰۸/۰۶). پیشرفت علمی نه تنها سبب اقتدار دفاعی، صنعتی و فرهنگی می‌شود، بلکه پشتوانه‌ی استقلال اقتصادی نیز هست: «علم و فناوری یکی از پایه‌های اقتدار اقتصادی یک ملت است. علم می‌تواند اقتدار اقتصادی، سیاسی و کرامت ملی به بار آورد» (بیانات در حرم رضوی، ۱۳۹۱/۰۱/۰۱؛ نیز: بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۹۲/۰۵/۱۵).

مطابق آموزه‌های قرآنی، دستیابی به دانش، مسئولیتی الهی است: «وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه/۱۱۴). این آیه، که به پیامبر اسلام خطاب شده، گویای آن است که افزایش دانش، خواسته‌ای مشروع، مقدس و مستمر در نظام توحیدی است.

از دیدگاه امام خامنه‌ای، پیشرفت علمی از جهاد فی سبیل‌الله جدا نیست. ایشان ضمن اشاره به توطئه دشمنان برای تضعیف حرکت علمی کشور، پیشرفت در دانش را یک راهبرد مقاوم‌سازی ملی معرفی کرده‌اند: «حرکت

علمی، یکی از راه‌های مقاوم کردن کشور است... نباید متوقف شود یا شتابش کاهش یابد» (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۵/۱۰/۱۹). قرآن کریم نیز مجاهدت در راه خدا را ضامن هدایت می‌داند: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (عنکبوت/۶۹). این مجاهده، در بیان رهبری، شامل مجاهدت علمی و پژوهشی نیز می‌شود.

علاوه بر این، مسئولیت ساختن و آبادانی زمین نیز در آیه «هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود/۶۱) به انسان واگذار شده که از دیدگاه رهبری، دلالت بر مسئولیت علمی، فنی و تمدنی حکومت اسلامی دارد.

امام خامنه‌ای همچنین علم را مبدأ ثروت، قدرت نظامی، و حتی اقتدار سیاسی معرفی می‌کند: «خود دانش مایه اقتدار است؛ ثروت‌آفرین است؛ قدرت نظامی‌آفرین است؛ قدرت سیاسی‌آفرین است» (بیانات در دیدار اساتید دانشگاه تهران، ۱۳۸۸/۱۱/۱۳). ایشان تصریح می‌فرمایند که بدون تقویت جهش علمی، کشور به قدرت، عزت، و مرجعیت علمی نخواهد رسید (بیانات در دیدار مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۴/۱۲/۲۰).

در نهایت، باید گفت که از دیدگاه امام خامنه‌ای، اگر کشوری بخواهد در برابر نظام سلطه بایستد، در معادلات جهانی صاحب نظر شود، و استقلال حقیقی داشته باشد، راهی جز اتکا بر علم و پیشرفت علمی ندارد. این نگاه دقیقاً همسو با سنت الهی در قرآن است که علم را پایه کرامت، رشد و تمکن در زمین قرار داده است. بدین ترتیب، اقتدار علمی در منظومه فکری رهبری، قلب تپنده اقتدار ملی در طراز تمدن‌سازی اسلامی است.

• اقتدار نظامی-امنیتی در اندیشه امام خامنه‌ای با تأکید بر مبانی قرآنی

اقتدار نظامی-امنیتی در منظومه فکری امام خامنه‌ای (مدّظله‌العالی) یکی از ارکان اصلی اقتدار ملی است که نه به‌عنوان ابزاری برای توسعه‌طلبی، بلکه به‌منزله‌ی تضمین امنیت و بازدارندگی در برابر تهدیدات خارجی و صیانت از استقلال و هویت دینی و ملی تبیین می‌گردد. معظم‌له با تأکید بر این اصل قرآنی که «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...» (الأنفال/۶۰)، دستور قرآن به آماده‌سازی حداکثری قدرت نظامی را ناظر به ایجاد رعب بازدارنده در دل دشمن می‌دانند (بیانات در دیدار ناوگروه ۸۶، ۱۴۰۲/۰۵/۱۵). ایشان وجه دلالت این آیه را در بُعد بازدارندگی می‌دانند؛ امری که علامه طباطبایی نیز در تفسیر «ترهبون» به معنای «بازداشتن دشمن با نمایش قدرت» تفسیر کرده‌اند (طباطبایی، المیزان، ج ۹، ص ۱۱۴).

از نگاه امام خامنه‌ای، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی خط مقدم اقتدار ملی هستند، اما نه اقتداری مبتنی بر تجاوز و زورگویی، بلکه اقتداری عقلانی، هدفمند و مشروع: «ما روی قوّت نظامی اصرار می‌کنیم، نه برای

تهدید، بلکه برای جلوگیری از تهدید» (بیانات در دیدار فرماندهان نیروهای مسلح، ۱۳۹۸/۱۱/۱۹). این سخن دقیقاً منطبق بر نگاه عقلانی قرآن است که به امت اسلامی توصیه می‌کند: «أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ»؛ یعنی هر چه در توان دارید برای دفاع آماده باشید.

معظم‌له بارها تأکید کرده‌اند که اقتدار نظامی کشور باید بر پایه‌ی «عقلانیت محاسباتی» استوار باشد نه احساسات. ایشان می‌فرمایند: «مبنای اقتدار در جمهوری اسلامی یک مبنای عقلانیتی است... حد و اندازه‌ی قدرت دفاعی، نوع ابزارها و تقسیم مسئولیت‌ها، همه بر اساس محاسبه‌ی منطقی و درست است» (بیانات در مراسم دانش‌آموختگی، ۱۳۹۹/۰۷/۲۱). این دیدگاه در راستای مفاد آیه‌ی شریفه انفال/۶۰، به‌ویژه عبارت «ما استطعتم من قوة» است که خطاب به تمام امکانات در اختیار امت اسلامی دارد، چه از حیث سخت‌افزاری و چه از حیث نرم‌افزاری.

از دیگر مبانی قرآنی مورد اشاره، آیه ۲۹ سوره فتح است: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...». امام خامنه‌ای این آیه را الگوی جامعه‌ی ایمانی می‌داند که اقتدار بیرونی و انسجام درونی را باهم دارد (بیانات در مراسم دانش‌آموختگی، ۱۴۰۱/۰۷/۱۱). این اقتدار دوگانه، یعنی صلابت در برابر دشمن و رحمت در میان مؤمنان، شالوده اقتدار اخلاقی و معنوی نیروهای مسلح را تشکیل می‌دهد.

ایشان بر آمادگی دائمی نیروهای مسلح تأکید ویژه دارند و تحقق چنین آمادگی‌ای را در گرو هوشمندسازی، آموزش پیشرفته، انضباط سازمانی، و بالاتر از همه، تقوای درونی و ایمان دینی می‌دانند: «اقتدار نیروهای مسلح وابسته به معنویات و صلاح دینی است؛ اگر این نباشد، تجهیزات فایده‌ای ندارد» (بیانات در مراسم دانش‌آموختگی، ۱۴۰۰/۰۷/۱۱). این نگاه، در هماهنگی کامل با آموزه‌های قرآن است که تقوا و ایمان را رکن اصلی نصرت الهی و پیروزی در میدان نبرد معرفی می‌کند (آل عمران/۱۲۵؛ انفال/۶۵).

رهبر معظم انقلاب همچنین نسبت به تهدیدات نرم‌افزاری دشمن در حوزه‌های منطقه‌ای هشدار داده و حضور منطقه‌ای جمهوری اسلامی را «عمق راهبردی» و از ابزارهای اقتدار ملی برمی‌شمارند: «اینکه بگویند در مسائل منطقه‌ای حضور نداشته باشیم، یعنی عوامل اقتدار را از خودتان حذف کنید» (بیانات در دیدار خبرنگاران رهبری، ۱۴۰۰/۱۲/۱۹). این نگاه مبتنی بر منطق قرآنی حمایت از مظلومین و مقابله با مستکبرین (نساء/۷۵؛ توبه/۷۳) است و نشان از پیوند سیاست دفاعی جمهوری اسلامی با رسالت دینی دارد.

در نهایت، امام خامنه‌ای افزایش قدرت موشکی، پیشرفت در صنایع نظامی، آمادگی روانی و سازمانی، و حضور مؤثر نیروهای مؤمن و انقلابی را ابزارهای حیاتی اقتدار نظامی-امنیتی می‌دانند و می‌فرمایند: «اگر کشور اقتدار دفاعی نداشته باشد، هر دولت بی‌ارزشی می‌تواند تهدید کند» (بیانات در جمع مداحان، ۱۳۹۵/۰۱/۱۱). از این‌رو، اقتدار دفاعی نه تنها ضامن امنیت است، بلکه بستر آرامش ملی، بازدارندگی دشمن، و تحقق سایر ابعاد پیشرفت کشور است.

بنابراین، در منظومه‌ی فکری امام خامنه‌ای، اقتدار نظامی-امنیتی، مبتنی بر عقلانیت، ایمان، آمادگی مداوم، و انسجام راهبردی، با آموزه‌های صریح قرآن کریم هم‌افق است و شرط لازم برای حفظ موجودیت، امنیت و عزت ملت اسلامی به شمار می‌رود.

• اقتدار فرهنگی در اندیشه امام خامنه‌ای با تأکید بر مبانی قرآنی

اقتدار فرهنگی از منظر امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) یکی دیگر از مؤلفه‌های بنیادین اقتدار ملی است که نه تنها به عنوان بخشی از منظومه‌ی قدرت ملی، بلکه به مثابه زیرساخت تمدن‌سازی اسلامی تلقی می‌شود. معظم‌له اقتدار را پدیده‌ای چندبُعدی می‌داند که در عرصه‌های مختلف، اعم از سیاسی، اقتصادی، علمی، نظامی و فرهنگی باید به صورت متوازن تحقق یابد تا یک ملت بتواند در صحنه جهانی عزتمندانه حضور داشته باشد (بیانات در دیدار مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۴/۱۲/۲۰). این نگاه جامع‌نگر، ریشه در آیات متعدد قرآن دارد؛ آنجا که خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾ (الأنفال/۶۰) و به صورت فراگیر بر آمادگی و تقویت همه‌جانبه تأکید می‌ورزد.

از منظر امام خامنه‌ای، اقتدار فرهنگی عبارت است از توانایی یک ملت در اثرگذاری فرهنگی بر دیگران و در عین حال مقاومت در برابر نفوذ و سلطه‌پذیری فرهنگی بیگانه. ایشان صریحاً می‌فرمایند: «اقتدار فرهنگی یعنی از لحاظ فرهنگی، فرهنگ کشور اثرگذار باشد و اثرپذیر نباشد» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۰/۰۲/۲۸). این تبیین با آموزه‌های قرآنی کاملاً هماهنگ است؛ چراکه قرآن، رسالت پیامبر را نه صرفاً تبلیغ دینی، بلکه اقامه تمدن مبتنی بر هدایت الهی می‌داند: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ (التوبه/۳۳). این غلبه، نوعی غلبه‌ی فرهنگی-تمدنی است که در قالب ایجاد یک سبک زندگی اسلامی، ساختارهای تمدنی غرب را به چالش می‌کشد.

اقتدار فرهنگی نه در شعار، بلکه در عمل متجلی می‌شود؛ آن‌گاه که یک ملت ارزش‌های دینی و هویتی خود را در برابر موج جهانی و لنگاری و بی‌هویتی حفظ می‌کند. رهبر انقلاب، حضور باحجاب بانوان ورزشکار در عرصه‌های بین‌المللی را جلوه‌ای عینی از این اقتدار می‌دانند: «این یعنی شما در مقابلِ تهاجمِ بی‌بندوباری... ایستاده‌اید... این قدرت‌نمایی فرهنگی بود» (بیانات در دیدار مدال‌آوران پاراآسیایی، ۱۳۹۷/۰۸/۲۳). این مقاومت فرهنگی، دقیقاً همان چیزی است که در آیه ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا﴾ (البقره/۱۴۳) به‌عنوان الگوی شاهد معرفی شده است.

نکته مهم در اندیشه رهبری، پیوند عمیق میان علم و فرهنگ است. از منظر ایشان، اقتدار فرهنگی بدون بنیان علمی امکان‌پذیر نیست و دستیابی به قدرت فرهنگی، از مسیر تولید علم، فناوری و نهادهای دانش‌بنیان می‌گذرد (بیانات در دیدار شرکت‌های دانش‌بنیان، ۱۳۹۱/۰۵/۰۸). این رویکرد، ناظر به آیه ﴿يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ﴾ (المجادله/۱۱) است که ارتقاء علمی را زمینه ارتقاء اجتماعی و تمدنی می‌داند.

در بخش دیگری از منظومه فکری رهبر انقلاب، حج به‌عنوان آیینی عبادی، نماد اقتدار معنوی و فرهنگی امت اسلامی معرفی می‌شود: «حج... اقتدار فرهنگی نظام اسلامی را به دنیا نشان می‌دهد» (بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۹۲/۰۶/۲۰). این نگاه، دقیقاً با آیه ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ...﴾ (آل عمران/۱۱۰) تطابق دارد؛ جایی که امت اسلامی به‌مثابه بهترین امت برای هدایت فرهنگی-تمدنی بشر معرفی شده است.

اقتدار فرهنگی، از منظر امام خامنه‌ای، نیازمند تولید محتوای بومی و پرورش نخبگان فرهنگی متعهد است. ایشان انقلاب اسلامی را عامل ظهور و رشد ادیبان، هنرمندان و اندیشمندان فرهیخته‌ای می‌دانند که در قالب شعر، داستان، سینما و سایر هنرها، پیام فرهنگ اسلامی را به جهان مخابره می‌کنند (بیانات در دیدار کارگزاران فرهنگی، ۱۳۷۱/۰۵/۲۱). این عنصر انسانی متعهد، شاخصی مهم در تحقق غلبه‌ی فرهنگی اسلام است.

در نهایت، اقتدار فرهنگی در نگاه رهبر انقلاب، صرفاً یک مؤلفه تزئینی نیست، بلکه یکی از ارکان بقاء و عزت نظام اسلامی و لازمه‌ی تحقق تمدن نوین اسلامی است. همان‌گونه که ایشان فرموده‌اند: «فرهنگ، صحنه‌ی جنگ اراده‌هاست» و پیروزی با کسانی است که «اراده‌ی قوی‌تری دارند» (بیانات در دیدار مدال‌آوران پاراآسیایی، ۱۳۹۷/۰۸/۲۳). بر این اساس، غفلت از عرصه فرهنگ، به‌معنای واگذاری زمین بازی به دشمن در سطح جنگ نرم و نفوذ فکری است.

۳. مدل مفهومی اقتدار ملی در اندیشه امام خامنه‌ای با تأکید بر مبانی قرآنی

بر اساس تحلیل جامع از منظومه فکری امام خامنه‌ای و با تأکید بر مبانی قرآنی، می‌توان مدل اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران را در قالب یک الگوی شش‌گانه و درهم‌تنیده طراحی کرد. در این مدل، هر یک از مؤلفه‌های اقتدار، در ارتباط متقابل با دیگر مؤلفه‌ها معنا پیدا می‌کند و در مجموع، هدف اصلی آن، دستیابی به عزت، استقلال، پیشرفت و امنیت امت اسلامی در برابر تهدیدهای جهانی است.

• مبانی معرفتی و هستی‌شناختی مدل (زیربنای نظری)

آنچه از محتوای و فیش‌های مقاله، برآمده است، این است که مبانی اصلی این مدل، توحید، عدالت، مردم‌محوری، درون‌زایی، خودباوری و مقاومت است که به‌عنوان اصول ثابت قرآنی، شاکله این اقتدار را تشکیل می‌دهد.

مبانی	توضیح
توحیدمحوری	هستی، قدرت، عزت و اقتدار حقیقی، از خداوند است و انسان و جامعه در نسبت با او هویت می‌یابند. (آل‌عمران/۲۶؛ انفال/۶۰)
عدالت‌محوری	هدف همه اقتدارها، اقامه قسط و عدالت در سطح فرد، جامعه و روابط بین‌الملل است. (حدید/۲۵)
مردم‌محوری	اقتدار در منظومه اسلامی و قرآنی، بدون مشارکت و اراده مردم معنا ندارد. (شوری/۳۸)
درون‌زایی	قدرت حقیقی از درون ملت و توانمندی‌های بومی برخاسته و متکی به ظرفیت داخلی است. (هود/۶۱)
خودباوری	ملت مؤمن باید به ظرفیت، استعداد و توانمندی خود اتکا کند و در برابر تحقیر سلطه‌گران بایستد. (محمد/۷)
مقاومت	هر ملتی برای حفظ استقلال و عزت، باید روحیه استقامت در برابر تهدیدها داشته باشد. (صف/۴؛ آل‌عمران/۱۳۹)

• مؤلفه‌های شش‌گانه اقتدار ملی (ابعاد کاربردی و عملیاتی)

این مؤلفه‌ها در هم تنیده، مکمل و تقویت‌کننده یکدیگر هستند و هرکدام پیوند ارگانیک با مبانی فوق دارند:

مؤلفه	ریشه قرآنی	کارکرد در منظومه اقتدار ملی امام خامنه‌ای
اقتدار معنوی	ایمان، توکل، استقامت (محمد/۷، آل‌عمران/۱۳۹)	زیرساخت روحی، انگیزشی و هویتی برای سایر اقتدارها؛ عامل مقاومت و بقاء هویت ملی
اقتدار	استقلال، درون‌زایی، تولید بومی	مصون‌سازی کشور در برابر سلطه، تحریم و وابستگی؛ زیرساخت

اقتصادی	(انفال/۶۰، نساء/۱۴۱)	امنیت، سیاست و فرهنگ
اقتدار سیاسی	مردم‌سالاری، مقاومت، عدالت (شوری/۳۸، نساء/۱۴۱، حدید/۲۵)	تثبیت مشروعیت درونی و اعتبار بین‌المللی؛ تقویت انسجام ملی و بازدارندگی دیپلماتیک
اقتدار علمی	جهاد علمی، دانش‌بنیانی، نوآوری (مجادله/۱۱، هود/۶۱)	تأمین قدرت نرم و سخت، استقلال فناوری، زیرساخت پیشرفت اقتصادی، نظامی و فرهنگی
اقتدار نظامی-امنیتی	بازدارندگی، دفاع مشروع (انفال/۶۰، توبه/۳۲)	تضمین صلح، حفظ امنیت ملی، مقابله با تهدیدات سخت و نرم؛ مکمل قدرت سیاسی و اقتصادی
اقتدار فرهنگی	هویت دینی، اخلاق، معنویت، (آل‌عمران/۱۱۰، صف/۹)	حفظ هویت، امنیت روانی-اجتماعی، مقاومت فرهنگی، پیشگیری از نفوذ نرم دشمن

• روابط میان مؤلفه‌ها در مدل (چگونگی تعامل مؤلفه‌ها)

این مؤلفه‌ها دارای پیوستگی علی و سیستمی هستند:

سطح	توضیح ارتباط
اقتدار معنوی	شالوده نرم اقتدار است و سایر ابعاد بدون آن دچار فرسایش می‌شوند. این مؤلفه روح مقاومت، ایستادگی و هدف‌مندی به سایر مؤلفه‌ها می‌دهد.
اقتدار فرهنگی	مکمل اقتدار معنوی و حافظ هویت دینی و استقلال فرهنگی است؛ پشتوانه نرم سایر اقتدارها.
اقتدار اقتصادی و علمی	بنیان‌های سخت و نرم پیشرفت ملی، تغذیه‌کننده قدرت سیاسی و امنیتی. این دو مکمل هم‌اند؛ اقتصاد بدون علم آسیب‌پذیر است و علم بدون کاربرد اقتصادی کم‌اثر خواهد بود.
اقتدار سیاسی و نظامی-امنیتی	حاصل ترکیب اقتدار معنوی، فرهنگی، علمی و اقتصادی؛ ابزار بازدارندگی، تثبیت هویت، تثبیت نظام و دفع تهدیدها.

۴-۴. مدل گرافیکی اقتدار ملی



توضیح مدل:

۱. مدل سیستمی، دینامیک و درونزا است.
۲. هر مؤلفه به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، سایر مؤلفه‌ها را تغذیه یا تقویت می‌کند.
۳. هسته نهایی (اقتدار ملی) محصول توازن و تعامل صحیح این اجزاء است.
۴. تمام مؤلفه‌ها در مدار اصول قرآنی-ولایی به حرکت درمی‌آیند.
۵. همه‌ی محتوای مدل از خلال اندیشه‌های امام خامنه‌ای در متن مقاله بدست آمده است.

نتیجه‌گیری

با تکیه بر تحلیل انجام‌شده در مقاله حاضر، می‌توان نتیجه گرفت که در اندیشه امام خامنه‌ای، اقتدار ملی مفهومی جامع، درهم‌تنیده و برخاسته از مبانی توحیدی و ارزشی اسلام است که از طریق هم‌افزایی مؤلفه‌های گوناگون معنوی، سیاسی، اقتصادی، علمی، نظامی-امنیتی و فرهنگی تحقق می‌یابد. این مؤلفه‌ها هر یک به تنهایی اهمیت دارند اما در منظومه فکری رهبری، زمانی قدرت‌آفرین و تمدن‌ساز خواهند بود که در چارچوب نظام ارزشی اسلام و با هدایت الهی در خدمت اهداف کلان امت اسلامی و تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی به کار گرفته شوند.

در این منظومه، ایمان دینی، توکل بر خدا، روحیه ایثار و شهادت، و معرفت دینی، نه تنها پایه‌های اقتدار معنوی، بلکه محرک و ضامن پایداری در سایر عرصه‌های اقتدار ملی معرفی شده‌اند. تأکید امام خامنه‌ای بر خودباوری، اقتصاد مقاومتی، پیشرفت علمی، مشارکت مردمی و روحیه انقلابی، مؤید آن است که ایشان مدل اقتدار را مبتنی بر عناصر درونی و خوداتکا می‌دانند، نه صرفاً اتکای مادی یا وابستگی خارجی.

در جمع‌بندی نهایی، الگوی اقتدار ملی استخراج‌شده از اندیشه‌ی امام خامنه‌ای، با اتکاء به مبانی قرآنی و تجربه‌ی تاریخی انقلاب اسلامی، ظرفیت آن را دارد که به‌عنوان یک «نظریه‌ی بومی اقتدار» در جهان اسلام طرح گردد: نظریه‌ای که اقتدار را به‌جای سلطه، در «اقامه‌ی قسط»، «صیانت از کرامت»، «پیشرفت عادلانه» و «بازدارندگی عقلانی» تعریف می‌کند و با پیوند زدن معنا و ماده، توانسته است چارچوبی راهبردی برای حرکت تمدنی ارائه دهد. موفقیت این الگو، در گرو صیانت از بنیان معنوی و فرهنگی آن، تسریع در جهش علمی و اقتصادی، ارتقای کارآمدی حکمرانی و نگهداشت بازدارندگی هوشمند است؛ توازنی که هرگاه حفظ شود، اقتدار ملی را از سطح «توان بقا» به مرتبه‌ی «توان پیش‌رانی تمدنی» ارتقاء خواهد داد.

کتابنامه

• قرآن کریم

۱. ابراهیمی کیاپی، هادی و همکاران (۱۳۹۹). انقلاب اسلامی ایران و مولفه‌های اقتدار ملی؛ مطالعه موردی اندیشه‌های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، مطالعات قدرت نرم، شماره ۲۲.
۲. پارسونز، تالبوت. (۱۳۸۹). مبانی قدرت در جامعه. ترجمه: هوشنگ نایی. تهران: نی.

۳. تاجیک، محمدرضا. (۱۳۹۵). قدرت نرم و سیاست فرهنگی در ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
 ۴. حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان.
 ۵. خامنه‌ای، سیدعلی. بیانات، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir/>
 ۶. رشیدی، مصطفی و علی ردادی (۱۳۹۷). مدل‌سازی مولفه‌ها و ابعاد قدرت علمی جمهوری اسلامی بر اساس اندیشه‌های مقام معظم رهبری؛ فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۷۹، ص ۲۹-۵۱
 ۷. صالحی، سید جواد و الله کرم مشتاقی (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی مبادی و مبانی قدرت در اندیشه سیاسی غرب و اسلام مطالعه موردی: اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی ایران، پژوهش نامه علوم سیاسی، دوره ۸، ص ۱۲۳-۱۵۰
 ۸. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق). تفسیر المیزان. قم: دفتر نشر اسلامی.
 ۹. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). جامع البیان عن تاویل آی القرآن، بیروت، دارالمعرفه.
 ۱۰. فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹ق). تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک.
 ۱۱. قنبری، سمیه و همکاران (۱۳۹۵). استحکام درونی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه مقام معظم رهبری با تاکید بر مولفه های دفاعی- امنیتی، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره چهارم، ص ۱۹۳-۲۱۲
 ۱۲. گلتونگ، یوهان. (۱۹۸۵). قدرت و صلح مثبت. اسلو: موسسه تحقیقات صلح اسلو.
 ۱۳. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۱۴. نقیب‌زاده، احمد. (۱۳۹۳). مبانی قدرت ملی در جمهوری اسلامی ایران. تهران: سمت.
 ۱۵. نیکنام، خسرو و همکاران (۱۴۰۱). بررسی شاخص‌های اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه‌های مقام معظم رهبری، ماهنامه جامعه شناسی سیاسی ایران، شماره ۱۱، ص ۲۰۹۴-۲۱۰۷
- Nye, Joseph S. (1990). Bound to Lead: The Changing Nature of American Power. New York: Basic Books.